

حضور رهبر انقلاب در مرقد امام و گلزار شهدا

صفحه ۲

پنجشنبه ۱۴ بهمن ۱۳۹۵ ■ ۴ جمادی‌الاول ۱۴۳۸ ■ ۲ فوریه ۲۰۱۷ ■ سال نهم ■ شماره ۲۰۹۰ ■ ۱۶ صفحه ■ ۱۰۰۰ تومان

وطن امروز

■ ۱۱۷۸ سال و ۵۶ روز گذشت

صفحه ۲

ولادت باسعادت عقيله بنی‌هاشم حضرت زینب کبری سلام‌الله علیها را تبریک می‌گوییم

تیتراهای امروز

نگاهی به فیلم‌های اکران شده در روز سوم جشنواره سی‌وپنجم فجر

حماسه ویلایی‌ها



صفحه ۱۳

کنایه روحانی به ترامپ:

لغو ویزا کار تازه کارهاست

صفحه ۲

نمایندگان در گفتگو با «وطن امروز» مطرح کردند

جزئیات نامه فریدون به مجلس

صفحه ۲

بازگشایی نماد بانک تجارت در بورس موجب سقوط شاخص کل شد

دومینوی بانکی به تجارت رسید

زیان ۱۵۰۰ میلیارد تومانی سهامداران بانک تجارت

صفحه ۳

دل‌نوشت

قصه امیرخان از هواپیمای امام

■ حسین قدیانی ■



خاطره بهمن ۵۷ مسجد جوادالامته را زیاد برابم تعریف کرده بود امیرخان! هر بار اما چیز جدیدی به خاطره قبلی اضافه می‌کرد، انگار که قسمی باشد ادامه‌دار! می‌گفت: «شد من در جوادالامته، قنوت بگیرم، صدای فرود هواپیما را نشنوم!» عمدی داشت که تا جملهایش به هواپیما می‌رسید، چشمان همیشه آرامش را ببنددا می‌گفت: «این صدا، برای من و برای همه بچه‌ها، یادآور همان صدای هواپیمایی بود که امام را از نوفل‌لوشاتو به تهران آورد!» عمدی داشت که نگوید فرانسه یا پاریس! می‌گفت: «شب ۱۲ بهمن ۵۷ تا صبح، با صدای هر هواپیمایی، می‌مردیم و زنده می‌شدیم! بازار شایعه گرم بود! شاید امام زودتر بیاید! شاید دیرتر! اگر برای این هواپیما اتفاقی بیفتد چه؟! چه خوبی داشتیم! و چه رجبی! چه بیبی! و چه امیدی! بیبی تا کجاها را فکر می‌کردیم که پدرت پیشهاد داد تا صبح بمانیم مسجد که اگر امام زودتر آمد و جایی برای اسکان نداشت، اصلا بیاید همین مسجد خودمان! نزدیک‌ترین مسجد به مهرآباد یادش به خیر! بچه‌ها مانده بودند در روحیه پشدرت! و اینکه با صدای هر هواپیمایی، جلدی می‌رفت حیاط مسجد و آسمان را نگاه می‌کرد تا هواپیما دقیقا از فراز مسجد دیده شود! بعد بنا می‌کرد دست تکان دادن برای هواپیما که حالا دیگر، صدایش را واضح‌تر از قبل می‌شنیدیم!

ادامه در صفحه ۵

نگاه

امیر استکی: مسؤولان دولتی و معاونان رئیس‌جمهور، مستقیم یا

با کنایه علاقه واضحی به نشان دادن شهردار به عنوان تنها مقصر واقعه پلاسکو داشته و دارند و درباره مقصر واضح قانونی که نهاد مالک ساختمان است، اصلا و ابدا حرفی زده نمی‌شود. درباره وظیفه کاملاً صریح هیات‌مدیره در بیمه آتش‌سوزی ساختمان هم انگار سکوت را ترجیح می‌دهند و طبعاً اصلا صورت خوشی ندارد که دولت از نقش وزارت کار که متولی اصلی مساله است صحبت کند! یقیناً اگر اهالی محترم دولت ذره‌ای احساس می‌کردند رئیس بنیاد بنیاد کاندیدای ریاست جمهوری شود، همه این خطبه‌خوانی‌های خانم‌ها مولاوودی و ابتکار، اکنون متمرکز بر عملکرد بنیاد بود. البته محمد قوچانی که سابقه از لاف‌ه خارج کردن قصد و اغراض اصلاح‌طلبان را به کرات دارد، بتازگی گفته است رقابت‌های انتخاباتی ریاست جمهوری دوازدهم بر آوار پلاسکو بنا خواهد شد. با توجه به آنچه در فضای سیاسی کشور در این روزها می‌گذرد، اگر شهردار تهران کسی بود که احتمال کاندیدا شدن او نمی‌رفت قطعاً بنای رقابت‌های انتخاباتی بر آوار جای دیگری غیر از پلاسکو نهاده می‌شد. اما واقعا اگر به مسائل با عینک انتخاباتی بنگریم شرایط چقدر به نفع روحانی خواهد بود؟ مثلاً بنای انتخابات می‌توانست روی امواج متلاطم سیلاب‌هایی که سیستان و بلوچستان فقیر را با خود برده است یا روی تل‌پرقال‌های نابودشده از سرما در مازندران یا روی واگن‌های سوخته‌از تدبیر قطار تبریز-مشهد بنا شود. مسائل بسیاری هستند که می‌شود بنای رقابت‌های انتخاباتی را بر آنها

آوار نگاه انتخاباتی بر سر مردم

در گیر بودن یک رقیب احتمالی جدی در مساله پلاسکو، به نحوی که روزنامه رسمی دولت در پوشش بهت و غم هم نتوانست شغف درونی خود را از پیدا کردن یک گزک اساسی برای کوبیدن حریف پنهان کند و همان روز اول به دروغ و بدون هیچ اطلاع دقیقی آمار کشته‌های پلاسکو را ۳۰۰ نفر اعلام کرد. رقمی که برای تبدیل کردن مساله به یک بحران قابل بهره‌برداری مناسب سیاسی به نظر کافی می‌آمد!

نکته دوم مربوط به خالی بودن دست این جریان سیاسی برای ارائه دستاوردهای قابل دفاع به مردم است. هر چند تبلیغات گسترده دولت و رسانه‌ها و سمپات‌هایش به دنبال نشان دادن انبوهی از دستاوردهای نورانی است ولی جز خود دولتمردان و شمار قلیلی از عمله‌دستگاه تبلیغاتش کسی باور نکرده است در وضعیت خوبی بسر می‌برد و در این شرایط که باز کردن هر مساله‌ای از مسائل کشور به نفع جریان اصلاحات و دولت نخواهد بود، پس پیش به سوی آوار پلاسکو. در زندگی آدمی حالت‌هایی به‌وجود می‌آید که فرد در آنها نه در پی انجام کار صحیح، بلکه به‌دنبال تایید گرفتن مداوم از سوی دیگران است. شرایطی که در آن ساختن یک ظاهر قابل عرضه به دیگران از زندگی فرد به غایت اصلی او تبدیل می‌شود و همه مسائل او را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد. این ضرورت مورد توجه و تایید و رجوع قرار گرفتن بود ولی متأسفانه در بسیاری موارد عاطفی و حیثیتی است.

غلط‌انداز و فریب‌کارانه و توخالی وادار می‌کند. حالتی که در دنیای سیاست این روزهای کشور ما نیز به روشنی به چشم می‌آید. تلاش برای نشان دادن شرایطی مطلوب و مشعشع برای ماندن در مرکزیت قدرت سیاسی. دولت یازدهم بر همین مبنا بود که با عجله شروع به تولید دستاوردهای بزرگ و تاریخی برای خود کرد؛ اولینش هم ظاهر شدن در نقش منجی مردم گرسنه ایران با ایده سبب کالا بود و اگر چه پیشسپهاددهندگانش به دنبال مطامع اقتصادی خود بودند ولی هسته سیاسی و استراتژیست دولت به دنبال نشان دادن یک نمایش ضربتی از توانایی خود در کنترل بحران خودساخته فقر غذایی ایرانیان بود اما بزرگ‌ترین این تاریخ‌سازی‌ها، انعقاد ضربتی برجام بود. برجامی پر از ابهام و تبصره و بندهای محرمانه که بیشترین کاربردش، فخری بود که دولتمردان به آن به ملت ایران فروختند اگر نه تقریباً هیچ آن سوغاتی است که کم‌کم به دست خلق‌الله می‌رسد. همه اینها براساس همان ضرورت موجه و مطلوب می‌برد و در این شرایط که باز کردن هر مساله‌ای از مسائل کشور به نفع جریان اصلاحات و دولت نخواهد بود، پس پیش به سوی آوار پلاسکو. در زندگی آدمی حالت‌هایی به‌وجود می‌آید که فرد در آنها نه در پی انجام کار صحیح، بلکه به‌دنبال تایید گرفتن مداوم از سوی دیگران است. شرایطی که در آن ساختن یک ظاهر قابل عرضه به دیگران از زندگی فرد به غایت اصلی او تبدیل می‌شود و همه مسائل او را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد. این ضرورت مورد توجه و تایید و رجوع قرار گرفتن بود ولی متأسفانه در بسیاری موارد عاطفی و حیثیتی است.

سلام وطن

۶۶۴۱۳۹۴۲

در شبکه‌های اجتماعی



@vatanemrooz



با تصمیم سازمان بنادر و دریانوردی انجام شد

تغییر نام بندر امیرآباد به بندر هاشمی رفسنجانی

صفحه ۲

یادداشت امروز

خرید نجومی هواپیما فرجام ادعاها و انتقادها

■ سیدياسر جبرائیلی ■

ایسن ایام که یک فروند «ایرباس نو ۸۳۲۱» متعلق به شرکت ایران‌ایر، شهر به شهر در کشور می‌چرخد و مدیران فرودگاه‌ها مشغول برگزاری مراسم استقبال و گرفتن عکس‌های دسته‌جمعی هستند، حامیان این «پروژه خرید» نیز بابت گذر موفق از مخالفت‌های منتقدان و رسیدن به مقصود، مسرورند. در این موعد، بی‌مناسبت نیست یک بار دیگر ادعاها و انتقادها درباره این خرید چندده میلیارد دلاری را مرور کنیم و هر دو طرف ماجرا بر آن تامل کنند، بلکه درسی برای تصمیمات و اقدامات مشابه بعدی باشد. هرچند شاید تجربه به ما بگوید این دولت، اهل تامل در تجربه‌ها- حتی تجربیات خودش- نیست و «تذکر» دادن به آن بی‌وجه است اما بی‌گمان، آیندگانی هستند که وقایع امروز را به مثابه یک عبرت بنگرند، از فواید آن بهره بگیرند و از تکرار خسارات آن جلوگیری کنند.

دولت آقای حسن روحانی برای توجیه این خرید نجومی دلایلی ارائه می‌کرد و منتقدان نیز با رد این دلایل و ارائه استدلال‌هایی دیگر، مخالف این شکل و حجم از خرید بودند. امروز با گذر زمان و روشن شدن بخش قابل توجهی از حقایق، می‌توان ارزیابی دقیق‌تری از سخنان اطراف این ماجرا انجام داد که مقصود این یادداشت است.

همه استدلال‌های دولت در توجیه خرید بالغ بر ۴۰ میلیارد دلار هواپیمای نو برای شرکت دولتی ایران‌ایسر، در این ۴ محور اصلی متمرکز بود:

۱- آقای عباس آخوندی، وزیر راه‌وشهرسازی مدعی بود خرید هواپیما نوعی جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (FDI) است: «آنچه ما توافق کرده‌ایم یک سرمایه‌گذاری خارجی واقعی است. جز ۱۵ درصدی که ما باید بتدریج از قرارداد خرید هواپیماها پرداخت کنیم، مابقی مبلغ توسط طرف قرارداد تأمین یا تنظیم خواهد شد. ایرباس ۱۵ درصد را از منابع داخلی خودش تأمین می‌کند که این در تاریخ صنعت هوانوردی بسیار نادر است و ۸۵ درصد مابقی را نیز فروشنده‌گان از محل تأمین‌کنندگان مالی اروپایی، فاینانس می‌کنند». یک بار دیگر بسر این عبارات و ارقام تامل کنیم، امروز در داخل و خارج دولت هیچ احدی نمی‌تواند از ادعاهای آن روز آقای آخوندی دفاع کند. امروز مشخص شده است نه‌تنها ایرباس و بوئینگ با فروش هواپیما به ایران در کشور ما سرمایه‌گذاری نکرده‌اند، بلکه ۲۰ درصد منبع مالی این خریدها با برداشت از «صندوق توسعه ملی» تأمین شده و ۸۰ درصد مابقی نیز توسط جمهوری اسلامی ایران (نه ایرباس و بوئینگ) با «بهره دلاری» از بانک‌های خارجی وام گرفته شده است. بالاتردید آقای آخوندی باید به نمایندگان ملت توضیح دهند بر چه مبنایی چنان ادعایی طرح کرده و نام این خرید استقراضی را «سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی» گذاشته‌اند؟

۲- آقای روحانی رئیس محترم جمهور و دیگر مقامات دولت، بارها در توجیه خرید این هواپیما گفته‌اند: «هردم ما سالانه ۴ میلیارد دلار بابت خرید بلیت به شرکت‌های هواپیمایی خارجی پرداخت می‌کنند؛ چه اشکالی دارد این مبلغ به جیب شرکت‌های داخلی برود؟» درباره این ادعا ما یک پرسش روشن طرح کردیم که تاکنون پاسخی به آن داده نشده است: دولت آقای روحانی دقیقاً با چه مکانیسمی می‌خواهد از هزینه این ۴ میلیارد دلار برای خرید بلیت ایرلاین‌های خارجی جلوگیری کند؟ آیا می‌خواهند هیچ هواپیمای خارجی را به ایران راه ندهند؟ یا مثلاً قرار است جابه‌جایی اتباع ایران با هواپیماهای خارجی را ممنوع کنند؟ آیا رویکرد دولت آقای روحانی در سایر حوزه‌های اقتصادی نیز جلوگیری از خروج ارز از کشور است که چنین ادعایی را مطرح می‌کنند؟ یا اینکه پروژه‌های چند میلیارد دلاری را از شرکت‌های داخلی می‌ستانند و تقدیم بیگانگان می‌کنند؟ از دولتی که بازار ایران را جولانگاه بیگانگان کرده و در حال ورشکسته‌سازی تولیدکنندگان داخلی است، چطور بپذیریم قرار است اجازه دهد ایرانی از ایرلاین خارجی بلیت بخرد؟ طرفه اینکه یک فروند ایرباس نو ۸۳۲۱ که دی‌ماه وارد کشور شده است، تاکنون حتی یک دلار درآمد ارزی نداشته و مشغول «ایرانگردی» است.

ادامه در صفحه ۵